

سازماندهی حزبی در ایران

مصاحبه با شهلا دانشفر
دبیر کمیته سازماندهی حزبی

www.wpiran.org

سازماندهی حزبی در ایران

این مصاحبه در دو بخش در *انترناسیونال شماره ۱۰۰ و ۱۰۱* در ۲۱ مرداد و ۲۸ مرداد به چاپ رسیده است

محسن ابراهیمی: به عنوان دبیر کمیته سازماندهی حزب در داخل، لطفاً قبل از هر چیز خیلی مختصر این کمیته را معرفی کنید. این کمیته کی تشکیل شده است؟ ضرورت تشکیل چنین کمیته ای چیست؟

شهلا دانشفر: کمیته سازماندهی حزبی وظیفه ساختن سازمان حزب در داخل را بعهده دارد. این کمیته به یک معنی سازمان جدیدی در حزب نیست و ما همیشه سازمانی برای پیشبرد این کار در حزب داشته ایم. اما ۵ ماه پیش بود که این کمیته مشخصاً با اسم کمیته سازماندهی حزبی و با تعریف و وظایف روشنتری تشکیل شد و علاوه بر من رفقا فاتح بهرامی، نسرین رضمانعلی، محمد آسنگران و مصطفی صابر اعضای این کمیته هستند. ضرورت وجود چنین کمیته ای کاملاً روشن است و در پاسخ به سؤال شما خوبست این نکته را تأکید کنم که در شرایط سیاسی پر جنب و جوش امروز، در شرایطی که چپ هر روز در جامعه فویتر میشود و روی آوری به حزب وسیع است، تشکیل کمیته ای با وظایف روشنتر و مشخصتر برای پاسخ دادن به این نیاز، مبرم و حیاتی بود. عضو گیری وسیع، سازماندهی انبوه و کلان و ایجاد سازمانی متناسب با این سطح از روی آوری به حزب که امروز ما شاهد آن هستیم بیش از هر چیز ضروری کرده بود که یک پار دیگر رؤس کار خود در سازماندهی داخل را مرور کنیم و برنامه عمل دقیقی برای آن داشته باشیم. کمیته سازماندهی بر اساس پاسخگویی بر این ضرورت شکل گرفت.

محسن ابراهیمی: بعداً در مورد جزئیات نقش کمیته سازماندهی سئوالات مشخصتری خواهم داشت. اینجا فقط در یک سطح کلی به این سئوال جواب دهید که فونکسیون اصلی کمیته چیست؟ وظایف اصلیش چه ها هستند؟

شهلا دانشفر: اساس کار کمیته سازماندهی همانطور که از اسمش پیداست سازماندهی حزبی در داخل است. کمیته سازماندهی همچنین وظیفه هدایت تشکیلات حزب در داخل را در مبارزات جاری بر عهده دارد. بنابراین دو محور اساسی کار کمیته سازماندهی عبارتند از: ۱- ایجاد و گسترش سازماندهی حزبی در داخل. ۲- فعال نگاهداشتن فعالین حزبی در سوخت و ساز سیاسی حزب و در کمپین های سیاسی و مبارزات جاری بر اساس سیاستها و طرحهایی که حزب در دستور خود قرار میدهد.

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید به هر کدام از این وظایف تک تک بپردازیم. اول، ایجاد و گسترش سازماندهی حزبی در داخل. در این مورد بیشتر توضیح دهید. این سازماندهی

چه اشکالی دارد؟

شهلا دانشفر: کمیته سازماندهی، بطور متمرکز و پیگیر سازماندهی حزبی افراد و جمعتهائی که در دل مبارزات جاری به ما روی میاورند و برقراری و حفظ رابطه منظم با آنها را به پیش میبرد. امروز روی آوری به حزب وسیع است و کمیته سازماندهی باید جوابگوی این روی آوری وسیع به حزب باشد. همانطور که قبلا اشاره کردم در دوره پر جنب و جوش کنونی و روی آوری وسیع به ما، سازماندهی حزب در این دوره باید سازماندهی انبوه و کلان باشد. این یعنی اتخاذ شکلی از سازماندهی که جوابگوی روی آوری وسیع کنونی به حزب باشد. این یعنی شکل دادن به سازمان حزبی در دل جنبش های اعتراضی موجود و در بستر یک فعالیت اجتماعی وسیع و جذب و متشکل کردن رهبران و فعالین اعتراضات کارگری و بخش های مختلف جامعه در درون حزب.

برای ایجاد و گسترش سازمان حزب در داخل محورهای زیر در دستور کار ما قرار میگیرد:

* ایجاد حوزه های حزبی

* هدایت کلیه افرادی که خواهان همکاری با حزب میشوند در اعتراضات موجود در جامعه

* ایجاد جمع هایی حول تلویزیون انترناسیونال و سایر جمعتهائی که تشکیلات حزب را در ابعاد وسیع گسترش دهند

* ایجاد جمع های کسب خبر و توزیع نشریات و کتب و جزوات حزبی

* کادر سازی و برقراری یک سوخت و ساز سیاسی فعال با فعالین حزب در داخل

* کمک به ابراز وجود علنی رهبران و فعالین چپ و کمونیست

* آموزش کادرها و فعالین

* بالا بردن هوشیاری امنیتی در میان فعالین حزب در داخل و دادن رهنمودهای لازم به موقع به تشکیلات داخل و کشف و جلوگیری از اقدامات نفوذی رژیم

همانطور که گفتیم اینها محورهای اصلی کار ما هستند که مجموعا به فعالیت ما در داخل ساختاری حزبی و ادامه کار میدهد. من در سئوالات بعدی تلاش خواهم کرد به جنبه های مختلف این مساله بپردازم.

محسن ابراهیمی: سازماندهی کلان یک جنبه مهم کار کمیته سازماندهی است. سازماندهی کلان عملا یعنی چه؟
شهلا دانشفر: شما به نکته مهمی انگشت گذاشتید. دقیقا اینطور است که سازماندهی کلان

یک جنبه مهم از کار این کمیته است. همانطور که در سؤال قبل اشاره کردم، هم اکنون بخاطر قدرت یافتن گرایش چپ و گسترش موقعیت اجتماعی حزب در جامعه، بویژه بخاطر وجود تلویزیون و فعالیت های حزب در سطح جامعه روی آوی به حزب وسیع است و سازماندهی ما باید بتواند به این روی آوری وسیع جواب دهد و سازماندهی کلان باشد. یک تصور کلاسیک از کار سازماندهی اینست که حوزه ها با کار روتین خود اعضای جدید به حزب جذب میکنند و در نتیجه کار حوزه های حزب گسترش می یابد. اما کار سازماندهی ما در داخل، امروز نمیتواند به کار حوزه ها محدود بماند و جوابگوی وضعیت کنونی ما باشد. به این خاطر ما بر سازماندهی انبوه و کلان، سازماندهی ای که این روی آوری وسیع را جوابگو باشد و نیروهای وسیعی که بطرف حزب می آیند را بتواند جذب حزب کند و نیز نفوذ حزب در راس اعتراضات جاری در جامعه را گسترش دهد، تاکید داریم. با این شکل از سازماندهی، سازمان حزبی در متن یک فعالیت اجتماعی گسترش می یابد. اعضا و فعالین حزبی در راس اعتراضات جاری قرار میگیرند و بخش وسیعی از رهبران و فعالین کمونیست در میان کارگران و در بخش های مختلف جامعه مثل معلمان، پرستاران، دانشجویان، جوانان، زنان و غیره و غیره به حزب جذب میشوند. این بستری است که توسط فعالین حزب سیاستهای حزب جاری میشود و شعارهای حزب به شعار توده های هر چه وسیعتری از مردم تبدیل میشود. برای روشن شدن صحبتیم یک مثال میزنم. بطور مثال وقتی فعالین حزبی در جنبش اعتراضی معینی درگیرند، در جریان اعتراضات روزمره و فعالیت جاری خود با فعالین و رهبران عرصه های اعتراضی مختلف در جامعه آشنا میشوند و این بستری است که افراد هر چه بیشتری را میتوان مثل خود کمونیست و با نظرات و سیاستهای حزب آشنا کرد، میتوان با فعالیت خود به اعتراضات جاری رنگ و بوی چپ داد و با جذب رهبران و فعالین کمونیست و پر نفوذ این اعتراضات دامنه نفوذ حزب را گسترش داد. همچنین در متن فعالیت وسیع اجتماعی فعالین چپ و رادیکال همدیگر را پیدا میکنند، به هم نزدیک میشوند و در متن این آشنایی ها میتوان حوزه های حزبی را شکل داد و این حوزه ها همچون ستادهای هدایت کننده اعتراضات جاری عمل کنند. حوزه هایی که ما به آنها حوزه های طراز نوین میگوییم و در دل جنبش های اجتماعی شکل میگیرند و دامنه فعالیتشان از محل کار و زیست بسیار فراتر میرود. از سوی دیگر خود تلویزیون امکان خوبی برای سازماندهی انبوه و کلان است. امروز خیلی ها خود را کانال جدیدی میدانند. میتوان با ایجاد جمع های علاقه مند به تلویزیون کانال جدید، جمع هایی که با هم برنامه های این تلویزیون را دنبال میکنند و حول آن بحث میکنند، محافل و جمع های نزدیک به حزب را شکل داد. این جمع ها مکان مناسبی برای آشنا شدن با ادبیات حزب و برنامه و سیاستهای حزب و جذب عضو به حزب است.

در هر حال وقتی از سازماندهی انبوه صحبت میکنیم، یعنی راههایی پیدا کنیم که بتوان در یک ارتباط وسیع و اجتماعی دستانداران حزب را جمع کرد و با بردن نظرات و سیاستهای حزب و کمونیست کردن افراد رادیکال و معترض در درون جنبش های اعتراضی موجود، دامنه حزب را گسترش داد.

تلویزیون، رادیو و فعالیت های حزب در خارج مثل توپخانه ای است که میکوبد و فضا را فراهم میسازد و کمیته سازمانده باید ثمر آن را بچیند. وجود تلویزیون، راه یابی تبلیغات ما از این کانال به میان مردم و در سطح وسیعی از جامعه امروز توجه های

بسیاری را به ما جلب کرده است. در جمع ها و محافل مختلف در عرصه های مختلف اجتماعی آشکارا از کانال جدیدی ها، از حزبی ها صحبت میشود. سنگینی فشار فعالیت ما و تبلیغاتمان را در اخبار و اظهار نظرهای دولتی نیز میتوان دید. اکنون شما این وضعیت را ضربدر اوضاع سیاسی و شرایط ملتهد جامعه بکنید، آنوقت قابل فهم خواهد بود که وقتی از روی آوری وسیع به حزب صحبت میکنیم، منظور چیست. خلاصه صحبتیم اینست که امروز حزب در موقعیت جدیدی قرار گرفته است، سازماندهی ما باید جوابگوی این موقعیت جدید باشد.

محسن ابراهیمی: تاکنون سازماندهی کلان چگونه پیش رفته است؟ موفقیتها چیستند و موانع سر راه چه ها بوده اند؟

شهلا دانشفر: ما هنوز در ابتدای کار هستیم. همانطور که گفتم روی آوری به حزب وسیع است. اعضای حزب در دایره گسترده ای از روابط اجتماعی قرار گرفته اند. حتی مشاهده میکنیم که در بسیاری جاها اعضای ما با مشکل وقت و رسیدگی به مسایل متنوع و پیچیده که در برابرشان قرار میگیرد، مواجه هستند. همچنین فعالین حزبی بطور طبیعی و در متن یک مبارزه اجتماعی بهم نزدیک شده و عملاً حوزه های حزبی فراتر از محل کار و محل زیست شکل گرفته اند، اگر چه هنوز این جمع ها خود را بعنوان حوزه به رسمیت نمی شناسند. جمع هایی از فعالین که بطور واقع در عرصه های مختلف اجتماعی در شهرهای مختلف نقش ایفا میکنند و جایگاه همان حوزه های فراکارخانه ای و طراز نوین را دارند. جمع هایی که در بسیاری جاها در برگیرنده رهبران عملی و فعالین و دست اندرکاران اعتراضات جاری هستند. از سوی دیگر همین الان جمع هایی حول رادیو انترناسیونال و تلویزیون کانال جدید شکل گرفته است. جمع هایی که با هم رادیو گوش میدهند یا تلویزیون میبینند. جمع هایی که بر سر مسایل طرح شده در رادیو و تلویزیون بحث و تبادل نظر دارند و طبعا یک موضوع بحث آنها نظرات و مواضع حزب است. این جنب و جوش ها، این فعالیت ها به یک اعتبار بیانگر درجه ای از پیشبرد سازماندهی کلان و انبوه است. اما اصلاً رضایت بخش نیست و باید به آن سرو سامان داد. باید آنرا تسریع کرد. باید موانع آن را برطرف کرد. اما این تحرکات و حضور چپ را شما در اعتراضات همین دوساله در عرصه های مختلف اجتماعی میتوانی ببینید. در اول مه ها، در هشت مارس ها، در ۱۶ آذر، در میان کارگران و در اعتراضات معلمان در همه جا مشاهده میکنید. آنجا که شعار ازادی برابری داده میشود. شعار سوسیالیسم به پا خیز داده میشود و آنجا که صحبتی از رادیکالیسم است میگویند حزبی ها. روشن است که این فعالیت ها، این ابراز وجودها، اینها هیچکدام هنوز شکل سازمانی روتین، منظم و ادامه کار بخود نگرفته است. ارتباط این فعالین با حزب ضعیف است و سروسامان دادن به آن در اولویت کار ما قرار دارد.

ما نیاز به یک سازمان قوی و ادامه کار حزبی در داخل داریم و از نظر من سازمان حزب در داخل یعنی ایجاد یک بدنه مارکسیست و قوی در داخل. سازمانی که ایجاد آن فقط برای پاسخ دادن به نیاز امروز نیست بلکه برای ما اهمیت استراتژیک دارد. بعلاوه، در اوضاع سیاسی امروز سازمان حزب در داخل به معنی سازمان دادن به نقش حزب در اعتراضات روزمره و عملی که در محل صورت میگیرد است و این حیاتی و میرم است.

محسن ابراهیمی: حوزه های حزبی در داخل چگونه حوزه هایی هستند؟ چگونه شکل میگیرند؟

شهلا دانشفر: حوزه اعضا سلول پایه حزب کمونیست کارگری ایران است که در محیط زیست و کار تشکیل میشود. عضو حزب اگر بخواد بر محیط خود تاثیر بگذارد نیاز به سازمان و کار جمعی دارد. حوزه ظرفی است که اعضای حزب بر بستر روابط طبیعی و اجتماعی که با هم دارند آنرا ایجاد میکنند، تقسیم کار میکنند، همکاری میکنند، و فعالیتی هماهنگ و منسجم را با هم به پیش میبرند. حوزه ها در واقع ظرف انجام فعالیت روتین کمونیستی اعضا و شاخکهای حسی حزب در محل هستند و تاثیرات سراسری حزب را به کمونیست سازی و عضو گیری در محل ترجمه میکنند. همانطور که اشاره کردم در جریان عمل و فعالیت اجتماعی اعضای حزب با هم آشنا و مرتبط میشوند و کار مشترکی را به پیش میبرند. حوزه به این ارتباطات رسمیت و نظم میدهد. مناسبترین تعداد برای اعضای هر حوزه ۳ تا ۵ نفر است و ما مصرانه خواهان تشکیل و تکثیر حوزه های پایه و انجام منظم وظایف تعریف شده حوزه ها توسط آنها هستیم.

کار حوزه های حزبی تبلیغ، ترویج و سازماندهی است. تبلیغ و ترویج اهداف حزب و ایجاد محافل ترویجی، شناساندن هر چه بیشتر حزب و رادیو و تلویزیون آن به کارگران و مردم و ایجاد شبکه های توزیع نشریه و جمع آوری کمک مالی و بطور کلی گسترش نفوذ حزب در میان کارگران و جذب اعضای جدید به حزب از جمله وظایفی است که حوزه ها در اشکال گوناگونی به پیش میبرند. این کار تعطیل بردار نیست و هر چند نفعی که بعنوان عضو حزب در ارتباط طبیعی با هم قرار دارند لازمست آنرا انجام دهند. همانطور که اشاره کردم امروز در بسیاری از مواقع مشاهده میکنیم که اعضای حزب در دل مبارزات جاری و در بستر روابط طبیعی و اجتماعی همدیگر را پیدا میکنند، اما هنوز بصورت آحاد فعالیت حزبی میکنند. هنوز نقشه روشنی بر فعالیت آنها حاکم نیست. تشکیل حوزه های حزبی بهترین شکل فعالیت برای سر و سامان دادن به فعالیت فعالین حزب در داخل است. در مقابل این بحث بعضا این سؤال در مقابل ما قرار میگیرد که آیا تشکیل حوزه های حزبی به لحاظ امنیتی فعالیت اعضای حزب در داخل را زیر ضرب نمیبرد؟ به نظر من به هیچوجه چنین نیست. چرا که این درجه از تمرکز و این درجه از ارتباط و نزدیکی در میان اعضای حزب در داخل بطور طبیعی و در جریان مبارزه همین امروز وجود دارد. قرار نیست ارتباط کسی را به کسی وصل کنیم، صحبت بر سر شکل دادن به ارتباطات موجود است که قبلا بصورت جمع شکل گرفته و دارند فعالیت میکنند. به این اعتبار تشکیل حوزه ها هم شکل آگاهانه تر و سازمانیافته تری به فعالیت اعضا میدهد و هم میتواند کنترل امنیتی بیشتری بر فعالیت جمع هایی که هم اکنون بهم وصل هستند، ناظر کند. در عین حال حوزه محلی است که اعضا دور هم جمع میشوند، آموزش میبینند، سیاستهای حزب را دنبال میکنند و در دستور کار خود قرار میدهند و از درون آنها کادرهای کمونیست و ورزیده بار آمده و به جلو می آیند و بدون چنین فعل و انفعالی از کار سیاسی درجا خواهیم زد.

باید توجه داشت که دیگر فعالیت بدون نقشه آحاد اعضا در دل شبکه های مبارزاتی موجود جوابگوی اوضاع سیاسی امروز و نقشی که اعضای حزب میتوانند ایفا کنند نیست. همانطور که اشاره کردم باید فعالیت ما امروز جوابگوی روی آوری وسیع به

حزب و اوضاع سیاسی کنونی باشد و بتواند دامنه نفوذ حزب را گسترش دهد. وجود حوزه های حزبی در هر کارخانه و در هر محل به معنی حضور حزب در آنجا و جاری شدن سیاستهای حزب و رشد رادیکالیسم در آن محیط است. باید حوزه های حزبی را تشکیل داد و این موج روی آوری به حزب را جواب داد.

در همین جا این نکته را نیز اضافه کنم که با توجه به شرایط سیاسی امروز و با توجه به رشد رادیکالیسم و چپ و نیز رشد و نفوذ حزب، موقعیت حزب در جامعه و موقعیت اجتماعی حوزه های حزبی هر روزه در حال تغییر است و تشکیل حوزه ها دیگر به محل کار و زیست محدود نمی ماند و ما شاهد شکل گیری جمع ها و حوزه هایی هستیم که در دل یک شبکه مبارزاتی گسترده فعالیت دارند. شبکه هایی که حتی از سطح یک شهر فراتر میروند. در بسیاری اوقات میبینیم که فعالین حزبی در دل فعالیت های اجتماعی و در جریان مبارزه به هم وصل میشوند و در امر سازماندهی و بر پایی اعتراضات حتی در سطوح سراسری نقش ایفا میکنند بدون اینکه الزاما در یک کارخانه و محل کار واحدی با هم کار کنند و یا محل زیست مشترکی داشته باشند. این ها دیگر حوزه های محدود به محل کار و زیست نیستند بلکه عرصه فعالیت آنها بسیار گسترده تر است. عرصه فعالیت اینها به گستردگی عرصه مبارزاتی است که در متن آن این فعالین بهم وصل شده و هم اکنون درگیرند. این حوزه ها، حوزه های طراز نوین هستند. حوزه هایی هستند که نقش موثری در اعتراضات جاری دارند و به درجه ای که جنبش های اعتراضی دامنه گسترده تری پیدا میکنند، فعالیت اعضای حزب بیشتر این رنگ و شکل از فعالیت را بخود میگیرد و عملا ما با شکل گیری این سطح از حوزه ها رویرو هستیم. این آن شکل از فعالیتی است که امروز میتواند جوابگوی روی آوری وسیع کنونی به حزب باشد و ما تلاش داریم به آن شکل و سازمان خود را بدهیم.

محسن ابراهیمی: از حوزه های طراز نوین صحبت کردید. چرا از این عنوان استفاده میشود؟ این عنوان مشخص کننده چه ویژگیهایی است؟

شهلا دانشفر: قبل از اینکه به سؤال شما پاسخ دهم میخواهم به این نکته تاکید کنم که صحبت من در مورد حوزه های طراز نوین کم رنگ کردن اهمیت حوزه های محل کار و زیست نیست. در مورد اهمیت آن توضیح دادم و آنها را باید در همه جا تشکیل داد. اما وقتی صحبت از حوزه های طراز نوین میکنم منظور کیفیت جدیدی از کار حوزه هاست. ممکن است یک حوزه کارخانه و یا حوزه ای که در فلان محل تشکیل شده است، در متن فعالیت اجتماعی از حیظه فعالیت محلی خود فراتر رود و در سطح گسترده تری تاثیر گذار شود و این کیفیت از کار را بخود بگیرد و با ممکن است مستقیما در عرصه فعالیت اجتماعی، فعالین حزبی که نه به لحاظ محل زیست و نه به لحاظ محل کار با هم در یکجا قرار ندارند، بلکه مستقیما در فعالیت های اجتماعی ای که دارند یکدیگر را پیدا کنند و به هم نزدیک شوند و حوزه های طراز نوین که حوزه هایی اساسا فراکارخانه ای و فرا محلی هستند را تشکیل دهند و این کیفیت جدیدی از کار حوزه هاست. این واژه در ادبیات حزب جدید نیست و قبلا منصور حکمت در نوشته خود تحت عنوان "سیاست سازماندهی ما در میان کارگران" که در سال ۱۳۶۵ نوشته شده، در مورد آن بحث کرده است و من همین جا به همه فعالین و اعضای حزب توصیه میکنم حتما این بحث را بخوانند. چرا که اساس کار سازمانیابی ما در داخل کماکان همان نگرشی است که در آنجا منصور حکمت

به آن پرداخته است و رئوس کلی آن کماکان مبنای فعالیت ما در داخل کشور است. تاکید میکنم که جنبش انقلابی رو به رشد در جامعه و نفوذ و مقبولیت رو به گسترش حزب شرایط را برای متحوق کردن سیاست سازماندهی ما به مراتب آماده تر کرده است. در هر حال حوزه های طراز نوین از نظر من حوزه هایی هستند که توانسته اند رهبران عملی و مبارزاتی کارگران و یا عرصه های مختلف اعتراضی در جامعه را بخود جذب کنند و این خود کیفیت جدیدی به این حوزه ها داده است. برای روشن شدن موضوع مثالی میزنم. یک حوزه در یک کارخانه از ۳ تا ۵ نفر از کارگران کمونیست حزبی در همان کارخانه شکل میگیرد. همینطور حوزه در یک محل از جمع شدن چند نفر که در همان محل زندگی میکنند تشکیل میشود. اما حوزه های طراز نوین از فعالین و اکتیویست ها در اعتراضات معینی شکل میگیرد که فرا محلی است و بعضا از سطح یک شهر فراتر می رود. بطور مثال در عرصه هایی چون جنبش اعتراضی برای خواست ۴۵۰ هزار تومان در قدم اول، جنبش اعتراضی برای پیگیری دستمزدهای پرداخت نشده و یا برپایی اول ماه مه و غیره و غیره فعالین حزبی همدیگر را پیدا میکنند و به هم نزدیک میشوند و حوزه های طراز نوین از ترکیب این فعالین تشکیل میشود. این حوزه ها نقش کانون و رهبری چنین جنبش هایی را بر عهده دارند و هر روز عرصه کار آنها گسترده میشود. به طور کلی این حوزه ها در دل شبکه های مبارزاتی کارگری و یا در عرصه های مبارزاتی مختلف چون زنان، معلمان، دانشجویان و غیره و غیره فعالیت میکنند و اینها شبکه هایی هستند که یکسر آن در شرق تهران و سر دیگرش غرب تهران قرار دارد و حتی دامنه آنها به شهرهای مختلف کشیده شده است. باز هم به عنوان یک مثال، برای ایجاد تشکل سراسری، فعالین و اکتیویست های این عرصه در سطحی سراسری جمع میشوند و در راس چنین تحرکی قرار میگیرند. چنین فعالینی نقش پیشتازی در درون شبکه های مبارزاتی موجود دارند و در بسیاری اوقات از رهبران این اعتراضات هستند. چنین فعالینی عموماً رهبران و بخش معترض و محبوب و با اتوریته جامعه را حول خود جمع میکنند و با وجود رهبران عملی و مبارزاتی در این حوزه ها، دایره نفوذ آنها از سطح محلی و کارخانه ای فراتر می رود. اینگونه حوزه ها طبعاً مخفی هستند اما با توجه به نقششان در جنبش های اعتراضی موجود، جایگاه اجتماعی محکمتری در عرصه مبارزات جاری پیدا میکنند. اینگونه حوزه ها همچنین به اعتبار وجود رهبران عملی، میتوانند در راس اعتراضات جاری قرار بگیرند، بسیج کننده نیرو در هر حرکت و اعتراضی باشند و به مثابه کانونهای رهبری اعتراضات جاری عمل کنند و نقش هدایت کننده این مبارزات را داشته باشند و سیاست های حزب را در عرصه های مختلف مبارزات اجتماعی جاری کنند. کمیته سازمانده تلاش میکند که فعالیت این حوزه ها را هدایت و سمت و سو دهد.

اینرا هم اضافه کنم که حوزه های طراز نوین صرفاً رهبران عملی مبارزات کارگری و عرصه های مختلف را در برنمیگیرد، بلکه ترکیبی از فعالین حزب در آن جمع میشوند که این خود کیفیتی بالاتر به حوزه میدهد. به عبارت دیگر با تلاش اعضای از حزب که با نفوذ و با اتوریته هستند و توانایی بالایی در جذب رهبران عملی کارگری و رهبران اعتراضی عرصه های اجتماعی موجود دارند، این حوزه ها شکل میگیرد و ترکیبی از مروجین حزبی و رهبران عملی مبارزات در کنار هم ساختار این حوزه ها را تشکیل میدهند. هم اکنون بسیاری از حوزه های حزبی در ایران در چنین مرحله ای از فعالیت قرار دارند. در حوزه های طراز نوین، اعضای حزب با فعالیت خود کارگران معترض

و کمونیست را با نظرات و سیاست های حزب آشنا میکنند، نشریات حزب را در درون شبکه های مبارزاتی کارگری به گردش در میاورند و به موضوع بحث آنان تبدیل میکنند و با انجام کار ویژه تری با رفقای کارگر پیشروتر و نزدیکتر به حزب، تلاش میکنند آنها را به حزب جذب کنند. همچنین این حوزه ها میگوشتند که در ارتباط تنگاتنگ با این طیف از کارگران جهت گیری ها، ملاحظات و نظرات کارگران کمونیست و رهبران کارگری و عرصه های مختلف اعتراضی را در حزب مطرح کنند و کمک دهند تا حزب بتواند به مسایل گریه و اساسی آنها در مبارزاتشان پاسخگو باشد.

محسن ابراهیمی: آیا این حوزه ها متصلند؟ منفصلند؟ به طور جداگانه با حزب رابطه دارند؟ شکل سازمانیشان مشخصا چیست؟

شهلا دانشفر: طبعاً روشن است که سازماندهی هر می امروز شکل سازماندهی ما در داخل نیست و به این اعتبار سیاست سازماندهی ما در داخل کماکان سازماندهی منفصل است. اما با توجه به وصل بودن روابط فعالین حزب در دل مبارزات جاری به یکدیگر، با توجه به تشکیل جمع های تلویزیون و رادیو و بوجود آمدن حوزه های طراز نوین در این دوره، سازماندهی حزب در داخل امروز در واقع در یک دوره انتقالی بسر میبرد. امروز حزب در موقعیت ویژه ای قرار گرفته است. حزب از حزب مبلغ به حزب مرجع تبدیل شده است و شکل سازماندهی آنرا دیگر نمیتوان با انفصال یا تمرکز توضیح داد.

منفصل بودن و یا متصل بودن حوزه ها فقط به جنبه ارتباط این حوزه ها به حزب مربوط است و بیانگر مشخصات حوزه های حزبی در شرایط کنونی نیست. تا آنجا که به ارتباط با حزب بر میگردد فعالیت حوزه ها و اعضای حزب در داخل مخفی است و طبعاً درجه اتصال آنها به یکدیگر را مبارزات جاری و ضرورت های آن تعیین میکند و بطور طبیعی در محل شکل میگیرد. روشن است که ما امروز ارتباط هیچ عضوی را به عضو دیگری در داخل وصل نمیکنیم و تشکیل حوزه های حزبی همانطور که اشاره کردم در متن فعالیت اجتماعی اعضا انجام میگیرد. اعضاء بطور طبیعی و در دل مبارزه به هم متصل شده و همدیگر را پیدا میکنند و یکدیگر را بعنوان حزبی میشناسند و ما به این سطح از ارتباط رسمیت داده و به آن شکل آگاهانه میدهیم و بر اساس آن حوزه ها شکل میگیرد. اما بدون شک در هر عرصه مبارزاتی فعالین حزبی بسیارند و حوزه های حزبی بسیاری شکل میگیرند. اینجاست که ما میخواهیم این حوزه ها هر کدام بطور منفصل با حزب مرتبط باشند. میخواهیم این حوزه ها به یکدیگر وصل نشوند و هر می را بوجود نیاورند و کماکان سازمان ما در داخل شکل منفصل داشته باشد. حتی فراتر از آن ما میخواهیم که اعضای هر حوزه جدا از فعالیت حوزه ای و مشترکی که با هم به پیش میبرند، تک به تک با حزب مرتبط باشند و اطلاعات مربوط به ارتباطات حزبی خارج از جمع حوزه ای خود را به حوزه منتقل نکنند بلکه آنها را در هماهنگی با ما سازمان دهند.

بطور واقعی امروز گرایشات سیاسی علنی و شناخته شده هستند. هر کس که از آزادی و برابری حرف بزند. هر کس که از حق بدون قید و شرط بیان سخن گوید، هر کس که بگوید مجمع عمومی و شورا میگویند حزبی است اگر چه حزبی نیز نباشد. بنابراین اینکه هر کسی دارای چه گرایشی است و دارد چه نظراتی را بیان میکند پنهان کردنی نیست و

شناخته شده است و در توازن قوای امروز این امری جا افتاده است. چنانکه میبینیم امروز دارند از کانال جدیدی ها صحبت میکنند. ولی اینها هیچکدام به معنی ارتباط تشکیلاتی نیست. آنچیزی که باید مخفی بماند ارتباط فعالین و اعضا با حزب است. اینها همه در واقع ویژگی دوره کنونی است و مرحله گذار به سازماندهی متصل و هرمی است که با رشد جنبش اعتراضی و تغییر توازن قوای جامعه، اشکال عالیتری از سازمانیابی را بخود میگیرد و کمیته های شهری و سازمان هرمی حزب شکل میگیرد.

محسن ابراهیمی: در مورد جنبه های دیگر فعالیتها کمیته سازماندهی، از جمله جمعهای حول تلویزیون انترناسیونال، جمعهای کسب خبر و توزیع نشریات حزبی هم لطفا کمی توضیح دهید.

شهلا دانشفر: جنبه های دیگری از کار کمیته سازماندهی تشکیل جمع های حول تلویزیون انترناسیونال، جمع های کسب خبر و توزیع نشریات حزبی و جمع های مختلفی از طیف وسیعی از دوستداران حزب است. بویژه امروز وجود تلویزیون، امکانی ایجاد کرده است که میتوان حول آن جمع هایی را شکل داد و با تشویق این جمع ها به تبلیغ و شناساندن تلویزیون به دیگران به اشکال مختلف، از جمله ضبط برخی برنامه ها و پخش آنها در میان دوستان خود، جمع آوری کمک مالی برای تلویزیون، خبرنگاری و گزارش دهی به تلویزیون و برقراری تماس با برنامه های مستقیم و زنده و اظهار نظر در مباحثات آن، این جمع ها را فعال کرد و در جریان این فعالیت میتوان طیف وسیعی از دوستداران حزب را به فعالین جدی حزبی تبدیل کرد.

همچنین میتوان در کارخانجات مختلف حول کمپین های حزب، جمع کردن طومارهای حزبی جمع هایی را شکل داد و با فعالیتی مستمر در میانشان آنها را به حزب نزدیک کرد. این دست فعالین حزبی در محل را میبوسد که طیف اجتماعی وسیعی که پیرامون آنها گرد می آیند را به اشکال مختلف سازمان دهند و با کار فعال کمونیستی در میانشان، اعضای هر چه بیشتری را به حزب جذب کنند.

محسن ابراهیمی: یکی از وظایف کمیته سازماندهی کادرسازی و آموزش کادرها و فعالین حزب در داخل است. این جنبه از فعالیت کمیته سازماندهی عملاً چه معنایی دارد؟

شهلا دانشفر: ما همیشه گفته ایم که دو حکم اساسی بر سیاست عضوگیری و سازمانیابی افراد در حزب کمونیست کارگری ایران ناظر است. یکی اینکه عضویت در حزب باید حتی المقدور ساده و وسیع باشد، به نحوی که هرکس خواهان تقویت مبارزه برای تحقق اهداف حزب است بتواند به آن بپیوندد. دوم اینکه حزب بر یک شالوده کادری محکم و مارکسیست بنا شود و به هر درجه ابعاد حزب گسترش یابد و عضویت در آن وسیعتر شود، این شالوده کادری باید مستحکم تر و توانا تر باشد. بنابراین تاکید ما بر کادرسازی و اهمیت آن روشن است. بویژه امروز که داریم از یک روی وسیع صحبت میکنیم، به کادرهای مارکسیست و توانایی احتیاج داریم که توانایی پاسخگویی به پیشبرد جنبه های مختلف کار سازمانیابی حزب در داخل باشند. از همین رو آموزش نیز جایگاه مهمی در کار ما پیدا میکند. امروز طیف وسیعی از فعالین جوان و کمونیست به حزب ما

میپویندند که رادیکالاند، معترضند، آزادیخواه و مدرنند، میخواهند با حزب ما فعالیت کنند، اما از کمونیسم کم میدانند و با حزب ما، تاریخچه شکل گیری آن و مباحث پایه ای کمونیسم کارگری آشنایی کمی دارند. برای ساختن حزب با پایه های محکم و با یک لایه قوی کادری، لازمست است که بطور جدی کار آموزش را در دستور بگذاریم. ما در نظر داریم آثار منتخبی از نوشته های چاپ شده منصور حکمت و ویژه داخل تهیه کنیم که مطالعه آن سیر تفکر کمونیسم کارگری و منصور حکمت را تا حدودی روشن میکند و به امر آموزش فعالین حزب در داخل کمک میکند. بویژه بخش نوارهای سخنرانی ها و مباحث انجمن مارکس در تلویزیون و رادیو در خدمت به همین مساله صورت میگیرد و فعالین حزب میتوانند نوار این مباحث و یا ویدیوی آن را ضبط و آنرا به دست دوستان هر چه بیشتری برسانند. طبعا کادرهای حزبی که خود مباحث این حزب را دنبال کرده و با مارکسیسم آشنایی بیشتری دارند، نقش مهمی در جاری کردن امر آموزش در درون حوزه های حزبی دارند و انتظار میرود که برای آن تلاش کنند.

محسن ابراهیمی: در اول این صحبت اشاره کردید که یک محور دیگر فعالیت کمیته سازمانده فعال نگاهداشتن فعالین حزبی در سوخت و ساز سیاسی حزب و در کمپین های سیاسی و مبارزات جاری و رو به جامعه است. این محور فعالیت کمیته خودش دو جنبه دارد. قبلا در مورد جنبه اول یعنی فعال نگاه داشتن فعالین حزبی در سوخت و ساز سیاسی حزب توضیح دهید:

شهلا دانشفر: این حق اعضاست که بتوانند در سوخت و ساز سیاسی حزب نقش ایفا کنند. مکانی برای ابراز نظرات خود داشته باشند. این کار طبعا در خارج کشور بسادگی انجام میگیرد. اما وجود خفقان در داخل، همواره مانع تحقق درست این نیاز بوده است و بطور واقعی تشکیلات حزب در داخل ایران هنوز جای واقعی خود را در حزب پیدا نکرده است. اگر چه ما شاهد تغییر و بهبود این وضعیت هستیم و نمونه بارز آن پیامهای همبستگی فعالین حزب به کنگره پنجم حزب بود. پس از آن نیز دخالت و اظهار نظر اعضای حزب در داخل در مباحث سیاسی و نوشتن برای نشریات حزب هر روز بیشتر و بیشتر شده است و این را آشکارا میتوان دید. کمیته سازمانده تلاش دارد در یک سوخت و ساز فعال سیاسی با فعالین حزب در داخل قرار گیرد و حزب را از سوخت و ساز سیاسی حوزه های حزبی مطلع نگاهدارد. کمیته سازمانده میکوشد تا تشکیلات داخل جای خود را در فعل و انفعالات سیاسی حزب باز یابد و رفقای حزبی در داخل حزب با نقش دخالتگر خود و نوشته هایشان در نشریات حزب هویت یابند.

محسن ابراهیمی: جنبه دوم همین محور فعالیت مربوط به کمپینهای سیاسی حزب و مبارزات جاری است. منظورتان چیست؟ کمیته سازمانده عملا چه کارهایی در این مورد در دستور گذاشته است؟

شهلا دانشفر: از نظر ما حاصل هر کمپین سیاسی و دخالتگری حزب در عرصه مبارزات جاری، باید تحزب بیشتر فعالین و رهبران عملی باشد. ما باید بتوانیم فعالین و رهبران عملی را حول حزب و بعنوان اعضا و حوزه های حزبی سازمان بدهیم. برای تحقق این کار محورهای اصلی فعالیت ما عبارتند از:

فعال کردن اعضا و مرتبطین با حزب برای دخالتگری و پیشبرد سیاستها و رهنمودهای

عملی حزب در دل مبارزات جاری

- هدایت فعالین حزب در کمپین های حزبی و مناسبت های سیاسی مهم و در روزهای ویژه مانند هشت مارس، اول مه، هیجده تیر، سالروز حزب و غیره بر مبنای جهت گیری های جدید (حزب و جامعه).

- تعقیب روزمره اعتراضات اجتماعی و مباحث درون محافل کارگری و فعال کردن تشکیلات در این اعتراضات و مباحثات مربوط به آن و تلاش برای برقراری تماس نزدیک با فعالین و رهبران عملی درگیر در این مبارزات.

- فعال کردن تشکیلات حزب در ارسال اخبار و گزارشات از مسائل روز جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی

- هدایت فعالین حزب، در زمینه دامن زدن به جنبش مجامع عمومی منظم کارگری و تشکیل شوراهای و پیشبرد سیاست های سازماندهی توده ای حزب در میان کارگران و در بخش های دیگر در میان معلمان، پرستاران و ...

- جهت دادن به فعالین برای تمرکز نیروی بیشتر بر روی مراکز مهم کارگری در ایران، از جمله نفت، ماشین سازیها و تلاش برای مرتبط شدن با فعالین رادیکال و کمونیست هر چه بیشتری در این بخش ها

- جهت دادن به فعالین حزبی در عرصه هایی چون مبارزات معلمان و پرستاران و نزدیک شدن به رهبران و فعالین کمونیست هر چه بیشتری در میان آنان و تقویت سازمان حزبی در میان این بخش ها

- روشن کردن سیاست های عملی حزب در زمینه فعالیت های علنی اعتراضی

اینها در واقع رئوس کلی کارهای ما در این زمینه است.

محسن ابراهیمی: آیا کمیته سازمانده در زمینه کار علنی در ایران و نقش فعالین حزب در این زمینه هم نقشی به عهده دارد؟

شهلا دانشفر: نسل جدید رهبران کارگری که میتوان گفت ۷۰ درصد طیف رهبران کارگری را در بر میگیرد این مشکل را ندارند. این نسل آموخته است که در دل اختناق مبارزه کند، یاد گرفته است که چگونه از شکاف های درونی رژیم برای متشکل شدن و اعتراض خود سود جوید، پشت میکروفون ها برود و اشکال مدرن مبارزه را بکار برد. این نسل بدنه اصلی جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی امروز را تشکیل میدهد. اما باید بدانیم فعالین حزبی جوان، نیروی جوانی که امروز جذب حزب میشوند، دانش کمی از کمونیسم و از حزب دارند و مهمترین کار ما با این طیف آموزش و مارکسیست کردن آنهاست. آشنا کردن آنها با حزب و نظراتش است. و پاسخ دادن به مسایل و مشکلات این طیف از رهبران کارگری و عرصه های مختلف مبارزاتی یک بخش مهم کار کمیته

سازمانده است.

در کنار نسل جدید ما نسلی از فعالین چپ را داریم که تجربه شکست انقلاب ۵۷ و سرکوب سالهای ۶۰ را پشت سر گذاشته است، نسلی که اساساً بدلیل خفقان طولانی زمان شاه و متأثر بودن از روش های مبارزاتی چپ سنتی، از عرصه های اجتماعی و علنی مبارزه بدور بوده و هنوز از این سنتها متأثر است. و این نسل امروز بخشی از اتوریته های جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی را در بر میگیرد. به این اعتبار این موضوع و رفع این مانع کماکان در دستور کار کمیته سازمانده قرار دارد. به همین دلیل کمیته سازمانده تلاش خواهد کرد تا تمرکز هرچه بیشتری مبنول دارد که سنتهای کهنه و غیرکمونیستی کارگری را نقد کند، و با ارائه طرحها، ابتکارات، ایده ها و کمپین های مختلف، بحث ابراز وجود اجتماعی و علنی فعالین کارگری (که دو سال پیش حمید تقوایی آنرا به روشنی در نوشته ای در همین زمینه طرح کرد و توضیح داد) در میان کارگران کمونیست و سوسیالیست و همینطور فعالین سوسیالیست و کمونیست در جنبش های اعتراضی دیگر را جا بیندازد و همچنین کادرها، اعضا و شبکه های حزب را برای اجرای این جهتگیری بسیج کند. من همین جا از فرصت استفاده میکنم و از همه فعالین حزب و رهبران کارگری میخواهم که این بحث حمید تقوایی را بخوانند. (این مطلب در شماره انترناسیونال ۸ و ۹ و ۱۰، در تاریخ های ۲۶ اسفند ۸۲، ۲۹ اسفند ۸۲ و ۴ فروردین ۸۳ به چاپ رسیده است.)

محسن ابراهیمی: مشخصاً در مورد ابراز وجود اجتماعی و علنی فعالین کارگری، کمیته سازمانده تا کنون چه تجربیاتی را کسب کرده است. مخصوصاً اینکه میدانم در ایران هم به خاطر اختلاف سیاسی طولانی و هم به دلیل تبدیل شدن کار زبرزمینی و غیر اجتماعی به یک سنت جا افتاده، هنوز کار علنی و رو به جامعه به سنت جا افتاده ای تبدیل نشده است. در این زمینه چه پیشرفتهایی حاصل شده است؟ موانع چه ها هستند؟ کار اجتماعی و علنی مشخصاً در میان نسل جدید فعالین کارگری چگونه پیش میرود و نقش کمیته سازمانده در این باره چیست؟

شهلا دانشفر: بعد از ارائه این بحث از جانب حمید تقوایی و باز کردن این موضوع رو به جامعه ما با یک تغییر کیفی در فعالیت و کار فعالین حزبی در ایران روبرو شدیم. این موضوع به بحث داغی در میان فعالین چپ و دست اندرکاران جنبش های اعتراضی موجود تبدیل شد. بسیاری از فعالین حزبی اذعان میکردند که با این بحث دریچه جدیدی به روی فعالیتشان گشوده شده است و به نظرم اثرات این بحث امروز در ابراز وجود علنی و اجتماعی چپ بطور کلی و با گرایشهای مختلف کاملاً مشهود است. نتایج آن در اول مه امسال کاملاً قابل مشاهده بود. برای اولین بار میدیدیم که رهبران کارگران با اسم و رسم خود به پشت تریبونها میروند و رو به کارگران و رو به جامعه صحبت میکنند. این دست آورد بزرگی است. در این مدت روی آوردن به عرصه های علنی مبارزه، تلاش برای ایجاد تشکلهای توده های در عرصه های مختلف اجتماعی گسترش یافت و فعالین چپ و کمونیست به جلوی صحنه آمدند و دست اندرکاران اصلی این فعالیت ها بودند. این جنب و جوش ها همگی نشان دهنده اینست که برآستی این بحث به مساله عاجل امروز جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی موجود در جامعه و هویت یافتن رهبران چپ و کمونیست در جامعه پاسخ داده است و همه این فعالیت ها یک پیشروی بزرگ

برای ما و چپ در جامعه است.

اما یکی از مشکلات فعالینی که امروز به این شیوه از کار رو آورده اند، تلفیق کار علنی و مخفی است. مساله ابراز وجود علنی و اجتماعی و قرار گرفتن در راس اعتراضات جاری و در عین حال داشتن رابطه ای تنگاتنگ با حزب است. مساله هماهنگ شدن فعالیت این رفق در داخل با فعالیت کل حزب است. پاسخگویی به این موانع و بوجود آوردن شرایطی امن و مطمئن برای ارتباط رهبران عملی و فعالین جنبش های اعتراضی که افرادی علنی و شناخته شده در جامعه هستند یک امر حیاتی برای ماست. حزب ما به لحاظ نظری به این مساله پاسخ داده است. منصور حکمت در این مورد در بحث "حوزه های حزبی و اکیونهای کارگری" مفصلا صحبت کرده است. باید دوباره به این مباحث رجوع کرد و آنها را آموخت. ضمن اینکه ما باید با توجه به اوضاع امروز بطور کنکرت در مقابل فعالین حزبی راه بگذاریم و به مشکلاتشان جواب دهیم. بطور مثال ممکن است یک رهبر عملی نتواند مستقیما در حوزه شرکت کند و از طریق عضوی از حوزه در ارتباط با حوزه قرار گیرد. یا در جاهایی ممکن است مناسبتر باشد که او بطور مستقیم با حزب متصل باشد. ما در این مورد منعطف هستیم و به وضعیت نگاه میکنیم. اما مساله اصلی اهمیت حیاتی حفظ یک رابطه تنگاتنگ بین این بخش از فعالین با حزب است.

محسن ابراهیمی: امنیت فعالین حزبی بی تردید اهمیت درجه بالایی دارد. حتما این مسئله مد نظر کمیته سازمانده است. آیا لازم میدانید نکاتی را علنا با فعالین حزبی در میان بگذارید؟

شهلا دانشفر: اشاره شما به مساله امنیت و اهمیت آن کاملا درست است. اما باید جنبه های مهم سبک کاری امنیت را آموخت. بطور مثال یک فعال حزبی که در یک عرصه وسیع اجتماعی درگیر است و به عنوان فعال آن عرصه بطور علنی در مقابل چشم پلیس قرار دارد، فعالیت اجتماعی او بهترین پوشش امنیتی برای ادامه کاری فعالیتش خواهد بود. یک رهبر عملی، یک فعال معترض سرشناس را امروز رژیم به راحتی نمیتواند مورد تعرض قرار دهد اگر جنبه ارتباط این بخش از فعالین حزبی با حزب از چشم پلیس دور بماند. بنابراین تلفیق کار علنی و مخفی و آموختن شیوه های آن بیش از هر وقت ضروری و حیاتی است. بطور مثال وقتی یک رهبر کارگری به جرم مبارزه برای خواستها و مطالبات خود و دفاع از حق کارگران دستگیر میشود، باید این خود فورا به یک موضوع اعتراض علنی و اجتماعی تبدیل شود. باید با مطلع کردن دیگر کارگران از این اتفاق، با بسیج خانواده ها و با نقش فعال خانواده های کارگری در این مساله به تقابل با چنین تعرضاتی پرداخت. تجربه نیز نشان داده است که امنیت رهبران کارگری اتفاقا در اعتراض علنی آنهاست. هرچقدر موضوع تعرض رژیم به آنها، پیگرد و ارباب آنها مخفی بماند، بهمان درجه امنیت آنها بیشتر در خطر خواهد بود. در عین حال ما همیشه تاکید داشته ایم کسی که در عرصه اجتماعی و علنی مبارزه درگیر است باید ارتباط او با حزب مخفی بماند. باید منزل او از اسناد و مدارک حزبی پاک باشد و غیره. البته اینرا هم بگویم دسترسی وسیع به اینترنت، وجود تلویزیون با طیف وسیعی از بینندگان حتی به این لحاظ نیز به فعالیت این کارگران پوشش امنیتی بیشتری داده است.

میدانید که امروز دسترسی به اینترنت، دسترسی به یاهو میسنجر و چت کردن، ارسال

نامه و پیام از طریق ای میل و بدست آوردن نشریات از طریق اینترنت همه و همه تحولی کیفی در فعالیت ما در داخل ایجاد کرده است. به یمن تکنولوژی امروز دیگر سخت ترین سد سانسور در سطح بین المللی در هم شکسته است و دیگر نمیتوان به راحتی جلوی درج اخبار و گزارشات اعتراض کارگران و توده های مردم را گرفت. نمیتوان مانع ارتباط دایم افراد از این سوی جهان بسوی دیگر شد و نمیتوان مانع دسترسی مردم به کتاب و ادبیات مارکسیستی شد. به یمن دسترسی به این تکنیک امروز ما نشریات و ادبیات حزب را به دهها هزار ادرس ارسال میکنیم. امروز دیگر پیدا کردن نسخه ای از یک نشریه حزبی نزد یک کارگر بهیچوجه نمیتواند سندی برای ارتباط او با حزب باشد. اما بد نیست اکنون که صحبت از اینترنت کردیم به چند نکته امنیتی مهم نیز تاکید کنیم.

۱- بعضا دوستانی که تازه با حزب آشنا میشوند از ما میخواهند که ارتباطاتی را در داخل به آنها وصل کنیم تا بتوانند با پیوستن به آنها فعالیت کنند. ما همواره توضیح داده ایم که انجام این کار از نظر ما به لحاظ امنیتی نادرست است و ما در داخل ارتباط کسی را به کسی دیگر وصل نمیکنیم. به نظر ما هر فعال حزبی باید در متن فعالیت اجتماعی خود بتواند افراد پیرامون خود را به حزب جذب کند و فعالیت حزب را به پیش برد. اما بعضا مشاهده کرده ایم که این دوستان از طریق آشنایانی که در خارج کشور دارند، آدرس اینترنت و تماس فعالین حزب در داخل را گرفته و وارد ارتباط با آنها شده اند. ما در این جا اکیدا تاکید میکنیم که هرگونه اطلاعات مربوط به فعالین حزب در داخل را صرفا به کمیته سازمانده حزب و سازمان جوانان کمونیست و کمیته کردستان بدهید. دادن چنین اطلاعاتی به کسانی دیگر ممکن است این رفقا را داخل دچار مخاطره امنیتی جدی کند.

۲- ما مشاهده کرده ایم که صرفا از طریق آشنایی در جلسات یاهو میسنجر و آشنایی در چت روم ها ارتباطات رفقای در داخل به یکدیگر وصل شده است. ارتباطات اینترنتی مجازی است. صحت و ثعم آن قابل تشخیص نیست. از ارتباط گرفتن با یکدیگر صرفا از طریق آشنایی از طریق اینترنت و وصل کردن ارتباطات به یکدیگر از این کانال و دادن اطلاعات شخصی و هویتی از این طریق جدا خودداری کنید. به صرف آشنایی از طریق اینترنت ارتباط کسی به کسی را وصل نکنید. آدرس اینترنتی رفیقی را به رفیقی دیگر ندهید. عدم رعایت این نکته ممکن است شما را با مشکلات امنیتی جدی روبرو کند. از انجام آن جدا پرهیز کنید.

۳- رفقای از داخل برای عضویت در حزب فرم ویژه عضویت پر میکنند و در آن آدرس و شماره تلفن و مشخصات واقعی خود را قید میکنند. من اینجا به اطلاع همه دوستان حزب میرسانم که فرم عضویت فقط برای فعالین حزب در خارج کشور است. رفقای ما در داخل لازم نیست که این فرمها را پر کنند. بنا به سیاست سازماندهی ما در داخل هر رفیقی که خود را عضو حزب میداند و میخواهد با ما فعالیت کند، عضو حزب محسوب میشود و میتواند با تماس گرفتن با ما کار و فعالیت خود را بطور متشکل به پیش برد. لازمست تاکید کنم که رفقا از ارسال هر گونه اطلاعات واقعی از مشخصات خود و دوستانشان از طریق اینترنت باید جدا خودداری کنند.

۴- در آخر از همه فعالین میخواهم که در پاکیزه نگاهداشتن کامپیوتر و آدرس ای میل

خود هوشیار باشند.

کمیته سازمانده تلاش میکند که جنبه مهم سبک کاری امنیت در داخل را بصورت دستور العمل های روشن در آورد و در مقابله با نفوذ پلیس هوشیاری امنیتی لازم را داشته باشد.

محسن ابراهیمی: پیامتان به فعالین حزب در داخل چیست؟

شهلا دانشفر: آنچه من در اینجا از رؤس کار کمیته سازمانده در داخل صحبت کردم، در واقع فعالیت مشترکی است که قرار است با کمک فعالین حزبی در داخل به پیش بریم و به کمک هم به ساختمان حزب در داخل ساختار منسجم تری بدهیم. بنابراین پیام من به فعالین حزب مطالعه دقیق این سیاستها و رابطه نزدیک با ما برای پیشبرد عملی این سیاستها در داخل است. بنابراین من اینجا بر دو نکته تاکید دارم. اولین و مهمترین تاکید من ارتباط منظم با حزب است. بویژه امروز که ما با سیر پر شتاب تحولات اجتماعی روبرویم این مساله بیش از هر وقت ضروری و حیاتی است. اگر این رابطه نباشد و یا ضعیف کار کند، اگر حزب در داخل سازمان نیابد و جویگویی این درجه از روی آوری به خود نباشد، باز ما دنبال حرکتهای خودجوش خواهیم افتاد و نخواهیم توانست جای خود را در سیر تحولات جاری بازیابیم. امروز حوزه های حزبی در داخل باید مثل مغز متفکر فعالیتهای علنی و اجتماعی ما در داخل کار کنند. نقشه بریزند و برنامه داشته باشند. ما نباید دنبال حوادث بیفتم. باید فرصت ها را بوجود بیاوریم. باید رهبر جنبش انقلابی ای باشیم که هر روز بالنده تر به پیش میرود. از همین رو ارتباط منظم با حزب از نظر من جایگاه استراتژیتری دارد. باید نبض داخل و خارج کشور با هم بزند. بطور مثال ارسال بموقع اخبار به ما و عکس العمل سریع در قبال آن به معنی حضور حزب در جامعه است. باید این حضور تامین شود. باید سیاستهای حزب در تظاهراتها و اکسیونهایی که در جامعه اتفاق می افتد جاری شود و شعارهای حزب به شعارهای بخش هرچه وسیعتری از مردم تبدیل شود و این به معنی حضور فعال فعالین ما در این اجتماعات و مبتکر بودن آنان در برپا کردن این اعتراضات در ارتباطی تنگاتنگ با حزب. تاکید دوم من به استفاده از ابزار تلویزیون است. وجود تلویزیون به حزب امکان داده که صدای خود را در بعد وسیعی در جامعه منعکس کند. فعالین حزب باید از این ابزار استفاده بیشتری بکنند. هم اکنون تماس با تلویزیون وسیع است. از تیپ های مختلف اجتماعی با گرایشهای مختلف را در بر میگیرد. این خود پوشش میدهد که فعالین حزبی راحت تر بتوانند با آن تماس بگیرند و از این تریبون برای گفتن حرف خود رو به جامعه استفاده کنند. اخبار اعتراضات را به دست ما برسانند تا آنها بگوش بخش وسیعی از جامعه برسانیم و بنوئیم به یک همبستگی وسیع از این اعتراضات دامن بزنیم. از طریق این ابزار میتوان به کمک فعالین حزبی در داخل به اعتراضات موجود شکل سراسری تری داد و به استقبال فراخوان برای اعتراضات سراسری و گسترده رفت، باید این ابزار را بدست گرفت. بنابراین پیام را به فعالین حزبی کوتاه میکنم و در یک کلام میگویم امروز ارتباط منظم با حزب یک امر حیاتی است، هر کجا که مانعی بر سر راه است باید مانع را شناخت و از سر راه برداشت. بیایید باهم یک ساختار قوی حزبی در داخل ایران بسازیم.